

صحيفة الحسين عليه السلام

[89] دیدند که از تشنگی می‌گرید، او را بر دست گرفته و فرمودند: ای مردم اگر بمن رحم نمی‌کنید به این طفل رحم کنید، مردی از میان لشکریان تیری پرتاب کرد که گلوی او دریده شد، آن حضرت گریست و فرمود: پروردگارا ! بین ما و گروهی که ما را دعوت کردند تا یاریمان نمایند پس ما را کشتند، حکم نما. آنگاه از هوا مورد ندا قرار گرفت: ای حسین او را رها کن، بدرستی که در بهشت شیر دهنده ای برای او می‌باشد. (31) دعای آن حضرت بعد از شهادت فرزند کوچکش روایت شده: هنگامیکه تیر بر گلوی طفل وارد آمد امام گریست و دو دستش را زیر گلوی او قرار داد، آنگاه فرمود: ای نفس شکیبائی پیشه کن و آنچه بر تو وارد می‌شود را بحساب خدا قرار ده، خدایا آنچه در حال حاضر بر ما واقع می‌شود را می‌بینی، پس آنرا برای ما پشتوانه ای برای روز قیامتمان قرار ده.
